

پیش بینی نرخ تورم ایران در سال ۱۴۰۰

- نام پژوهش: پیش بینی نرخ تورم ایران در سال ۱۴۰۰ تهیه شده: واحد پژوهش و بررسی های اقتصادی
- انتشارات: اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی اصفهان
- تاریخ انتشار: مهر ماه ۱۴۰۰
- صاحب امتیاز: اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی اصفهان
- تهیه کننده: میثم حداد
- ناظر علمی: دکتر زهرا زمانی - دکتر مصطفی مبینی دهکردی



• مقدمه

اصطلاح تورم نخستین بار در سده نوزدهم در کشورهای اروپایی به مفهوم انتشار بیش از حد اسکناس برای تأمین هزینه‌های جنگی متداول شد. این افزایش حجم پول به‌خودی‌خود، افزایش قیمت‌ها را در بسیاری از کشورها به دنبال داشت. در دوره یاد شده اصطلاح تورم به مفهوم افزایش بیش از حد وسایل پرداخت اعم از پول مسکوک، اسکناس و پول اعتباری به‌کار برده می‌شد. بعدها اقتصاددانان در نتیجه‌ی بررسی‌های دقیق‌تر ثابت کردند که تغییرات قیمت تنها تابع تغییرات حجم پول در گردش نیست بلکه تورم متغیری است که از برآیند نیروهای موجود در سمت عرضه و تقاضای کل اقتصاد حاصل می‌شود. به‌طور کلی مازاد تقاضای کل نسبت به عرضه موجب افزایش سطح عمومی قیمت‌ها می‌شود. از منظر عرضه، ساختار هزینه‌های بنگاه‌ها، پایین بودن بهره‌وری کل اقتصاد، ساختار نیروی کار، نرخ ارز، درجه وابستگی به واردات و محدودیت‌های تجاری عامل‌های موثر بر پایداری تورم می‌باشند. در ادبیات اقتصادی منظور از تورم، افزایش سطح عمومی قیمت‌هاست که غالباً حالتی مداوم و برگشت ناپذیر دارد. نکته قابل توجه در زمینه تورم آن است که به‌رغم وجود یک تعریف مشخص در زمینه تورم،



در ادبیات اقتصادی منظور از تورم، افزایش سطح عمومی قیمت‌هاست که غالباً حالتی مداوم و برگشت ناپذیر دارد.

دیدگاه واحدی در خصوص علل ایجاد تورم وجود ندارد. برخی از اقتصاددانان رشد بی‌رویه حجم پول، گروهی دیگر اضافه تقاضا در بازار کالا، برخی فشار هزینه و افزایش قیمت نهاده‌های تولیدی و در نهایت عده‌ای دیگر تنگناهای موجود در بخش‌های مختلف و ضعف در بخش‌های کشاورزی و تجارت خارجی را منشأ اصلی تورم عنوان می‌نمایند. تورم را از جنبه‌های مختلف می‌توان در سه گروه طبقه بندی کرد؛ طبقه بندی تورم بر مبنای عوامل ایجادکننده آن که شامل تورم ناشی از فشار تقاضا، تورم ناشی از فشار هزینه، تورم ناشی از واردات و عوامل ساختاری است؛ طبقه بندی تورم بر مبنای نسبت افزایش قیمت‌ها به افزایش حجم پول که شامل تورم باز (آشکار) که در آن قیمت‌ها سریع‌تر از حجم پول در جریان می‌باشد و تورم بسته (مهارشده) که در آن میزان افزایش قیمت‌ها کمتر از افزایش پول در جریان است و طبقه بندی تورم بر مبنای متناسب (ادواری) یا عارضه‌ای (مقطعی) بودن افزایش قیمت‌ها که تورم ادواری مربوط به دوران رونق چرخه‌های تجاری و تورم عارضه‌ای ناشی از عوامل غیراقتصادی مانند جنگ، بلایای طبیعی و ... می‌باشد. مجموعه عوامل مذکور این واقعیت را منعکس می‌نمایند که اولاً تورم پدیده‌ای نامطلوب است که می‌تواند در بلندمدت صدمات جدی بر پیکره اقتصاد وارد نماید،





سطح قیمت‌ها وجود دارد. از این رو، لازم است سیاستگذاری پولی براساس قاعده باشد.

نوسانات نرخ ارز ناشی از شوک‌های مختلف اقتصادی است که بر نرخ اسمی ارز و سطح قیمت‌های داخلی اثر می‌گذارد و به این ترتیب نرخ ارز حقیقی را دچار بی‌ثباتی می‌کند. براساس مبانی نظری، نوسانات نرخ ارز به طور مستقیم باعث ایجاد نااطمینانی و افزایش هزینه‌ها خواهند شد و به طور غیرمستقیم بر تخصیص منابع و سیاست‌های دولت تاثیرگذار خواهد بود. حرکت نرخ ارز می‌تواند قیمت‌های داخلی را از طریق اثر بر عرضه (از مگرای کالاهای واسطه‌وارداتی) و تقاضای کل (از مگرای خالص صادرات و تاثیرگذاری ذخایر ارزی بانک مرکزی) تحت تاثیر قرار دهد. همانطور که از نمودار (۱) مشخص است روند نوسانات نرخ ارز در چند سال اخیر نیز گویای ارتباط این متغیر با نوسانات نرخ تورم در این دوره‌ها می‌باشد.

بر اساس نظر کارشناسان و فعالان اقتصادی کسری بودجه دولت یکی دیگر از عوامل بسیار مهم در تغییرات نرخ تورم در چند دهه اخیر بوده است. مبانی نظری بیان کرده‌اند که آثار اقتصادی کسری بودجه دولت به چگونگی به وجود آمدن آن، نحوه تامین مالی و شرایط اقتصاد کلان بستگی خواهد داشت. اگر کسری بودجه دولت ناشی از افزایش مخارج جاری باشد و سبب افزایش تقاضای کل شود، ممکن است تورم ایجاد شود، اما اگر کسری بودجه به علت اجرای یک سیاست مالی فعال با افزایش مخارج سرمایه‌گذاری و با هدف رهایی اقتصاد از رکود باشد به یک سیاست مالی انبساطی تبدیل و آثار اقتصادی آن هدایت اقتصاد به سمت اشتغال کامل در بلندمدت خواهد بود. در ایران به دلیل شرایط تحریم‌ها و کاهش درآمدهای دولت و افزایش سالانه هزینه‌ها دولت با کسری بودجه مواجه شده‌است و برای جبران کسری بودجه ساده‌ترین راه، یعنی برداشت از صندوق ذخیره ارزی را انتخاب می‌کند. تبدیل این دلارها به ریال منجر به افزایش نقدینگی می‌شود که آن به نوبه خود با تأثیر بر روند عرضه و تقاضا منجر به تورم می‌شود. از سوی دیگر استفاده از منابع نفتی توسط دولت و همچنین انتشار پول بدون پشتوانه مالی توسط بانک مرکزی از عوامل دیگر تورم می‌باشد که ناشی از کسری بودجه دولت است. در نمودار (۱) روند کسری بودجه در چند سال اخیر نشان می‌دهد که این عامل با روند نرخ تورم همسویی دارد و مطابق نظر کارشناسان نیز این عامل یکی از عوامل موثر بر افزایش نرخ تورم بوده است و نظریات اقتصادی نیز تأیید کننده این موضوع می‌باشد.

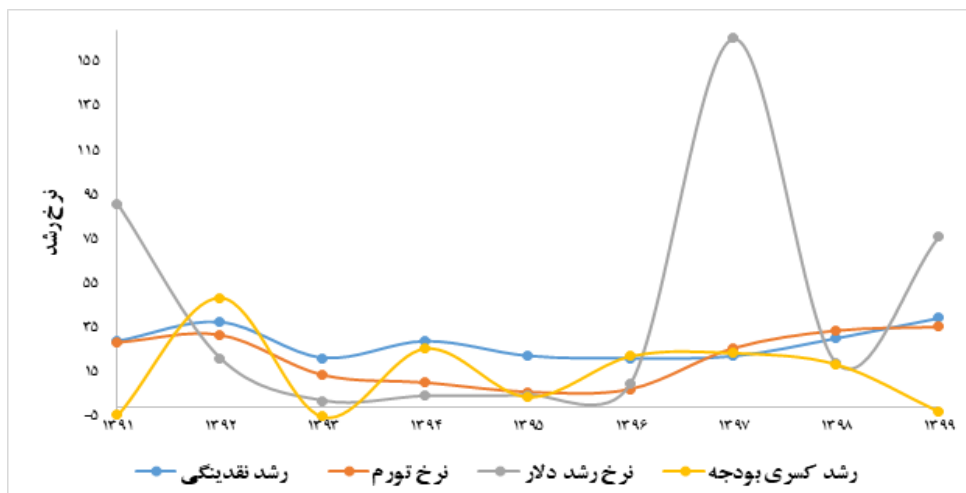
ثانیاً تورم معلول بسیاری از عوامل ساختاری در اقتصاد است که شناسایی و مبارزه با آن را دشوار می‌سازد. از این رو پیش‌بینی متغیرهای اقتصادی همانند نرخ تورم یکی از الزام‌های اصلی برای سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی‌های مناسب آینده به‌شمار می‌آید. در واقع پیش‌بینی تورم و بررسی تعیین‌کننده‌های آن یکی از اقدامات اساسی و مهم در حوزه سیاست‌گذاری است که در جهت تدوین و به‌کارگیری سیاست‌های مناسب در راستای کنترل تورم در دامنه اهداف موردنظر به‌کار می‌رود.

یکی از مهمترین مشکلات اقتصادی ایران طی چند دهه اخیر پدیده تورم بوده است. این پدیده اقتصادی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین متغیرهای اقتصاد کلان محسوب می‌شود که علاوه بر آثار مثبت یا منفی اقتصادی، پیامدهای اجتماعی را نیز به‌همراه دارد. اهمیت این موضوع تا آنجا است که بهبود شرایط ناشی از وجود تورم همواره یکی از اهداف مهم برنامه‌های توسعه کشور بوده است. تورم یک پدیده اقتصادی و اجتماعی است و باید آن را در چهره جدید دنیای امروز یکی از جلوه‌های پیچیده و غامض اقتصاد در قرن حاضر دانست. تورم بالا و ناپایدار هزینه‌هایی را بر جامعه تحمیل می‌کند، از جمله آنکه موجب افزایش نااطمینانی در فعالیت‌های اقتصادی، محدود شدن رشد سرمایه‌گذاری، اختلال در تخصیص بهینه منابع اقتصادی و بازتوزیع غیربهره‌مند و ناعادلانه آن‌ها، اختلال در نظام تخصیص درآمدها و توزیع دوباره آن بدون توجه به ضابطه کارایی در جامعه می‌شود، بنابراین ممکن است بی‌عدالتی اجتماعی را در پی داشته باشد. ناپایداری تورم نه تنها موجب خدشه‌دار شدن اعتبار سیاستگذاران کلان اقتصادی به ویژه بانک مرکزی می‌شود، بلکه تداوم آن می‌تواند موارد حاد ناپایداری سیاسی کشور را نیز موجب شود. به همین دلیل، در کلیه کشورها ثبات قیمت‌ها به عنوان هدف اصلی برنامه‌های و سیاست‌گذاری در نظر گرفته می‌شود. بنابراین پیش‌بینی نرخ تورم برای فعالین اقتصادی و سیاستگذاران دارای اهمیت است. بر اساس ادبیات اقتصادی نیز رشد نقدینگی از جمله عوامل محرک تقاضای کل در اقتصاد است که تورم به همراه دارد. البته این مساله به معنای آن نیست که رشد نقدینگی مساوی با رشد قیمت‌ها است، بلکه رشد نقدینگی اگر در حدی متناسب با ظرفیت‌های اقتصادی باشد نه تنها اثرات تورمی در بر ندارد، بلکه می‌تواند زمینه‌ساز تحرک بیشتر فعالیت‌های اقتصادی باشد. همانطور که در نمودار (۱) مشاهده می‌شود در اقتصاد ایران همسویی مشهودی میان تغییرات نقدینگی و تغییرات



ناپایداری تورم نه تنها موجب خدشه‌دار شدن اعتبار سیاستگذاران کلان اقتصادی به ویژه بانک مرکزی می‌شود، بلکه تداوم آن می‌تواند موارد حاد ناپایداری سیاسی کشور را نیز موجب شود. به همین دلیل، در کلیه کشورها ثبات قیمت‌ها به عنوان هدف اصلی برنامه‌های و سیاست‌گذاری در نظر گرفته می‌شود. بنابراین پیش‌بینی نرخ تورم برای فعالین اقتصادی و سیاستگذاران دارای اهمیت است.

• نمودار ۱- نرخ رشد عوامل موثر بر نرخ تورم در ایران طی دوره ۱۳۹۹-۱۳۹۱



• منبع: بانک مرکزی، مرکز آمار ایران

که دولت از نظر منابع درآمدی تحت فشار باشد ناچار به سمت چاپ پول می رود که تورم ۷۰ تا ۸۰ درصدی از همان ناحیه ایجاد می شود. ایشان با پیش بینی تورم حدود ۲۵ تا ۳۰ درصد برای سال ۱۴۰۰، بیان می کنند: اگر شاهد گشایش کامل اقتصادی و سرمایه گذاری خارجی در کشور باشیم، نرخ تورم به زیر ۱۰ درصد می رسد که احتمال این مورد بسیار کم است. با توجه به شرایط فعلی کشور، اگرچه برخی فعالان و اساتید اقتصادی نسبت به ایجاد ابرتورم ۱۴۰۰ نگران هستند، اما من چنین نظر و نگرانی را برای اقتصاد ایران ندارم.

• دکتر سیدکامیل طیبی (استاد اقتصاد دانشگاه اصفهان)

موضع گیری های کارشناسان اقتصادی بر اساس سوابق و عواملی همچون تورم، رکود و ... است که پیش تر در کشور رخ داده است و به طور قطع اگر اقدام اساسی برای نرخ تورم نشود این روند، نرخ فزاینده به خود می گیرد، چراکه در سال جاری با تغییر دولت و رویه آن، شاید با کسری بودجه مواجه شویم، بنابراین راهی به غیر از نشر و چاپ پول نخواهیم داشت که این شرایط به تورم دامن می زند. تنش زدایی در روابطمان با کشورهای خارجی و دنیا، مهیا کردن شرایط جذب سرمایه گذاری، برقراری تجارت جهانی، حل مشکل FATF و همچنین سیاست های داخلی همچون انضباط مالی و ... مبارزه با سودجویی و دلالی با روش های صحیح و اقتصادی نه پلیسی و ... می تواند نسبت به مهار پدیده تورم فزاینده در کشور راهگشا باشد. به شدتی که برخی اساتید اقتصادی از شکل گیری ابرتورم ۱۴۰۰ خبر

در ادامه این گزارش ابتدا در بخش اول با جمع آوری نظرات ذهنی و کارشناسانه اقتصاددانان و فعالان اقتصادی به جمع بندی کلی در مورد پیش بینی نرخ تورم برای سال ۱۴۰۰ پرداخته می شود. سپس در بخش دوم پیش بینی نرخ تورم ایران از دیدگاه نهادهای ملی و بین المللی مورد بررسی قرار می گیرد. در بخش سوم به جمع بندی کلی در مورد پیش بینی نرخ تورم جهت استفاده فعالین اقتصادی برای اتخاذ تصمیمات در آینده پرداخته می شود.

• پیش بینی اقتصاددانان و فعالین اقتصادی در مورد نرخ تورم در سال ۱۴۰۰

در این بخش نرخ تورم ایران در سال ۱۴۰۰ با استفاده از روش پیش بینی قضاوتی و با جمع آوری مصاحبه ها و سخنرانی های اقتصاددانان و فعالین اقتصادی پیش بینی می شود. مطالب این بخش براساس قضاوت های افراد براساس تجربیات گذشته و همچنین تحولات کنونی است و براساس یک سری فروض به سناریوسازی و ارائه پیش بینی پرداخته شده است.

• دکتر بهنام ابراهیمی (دبیرکل اتاق بازرگانی اصفهان و پژوهشگر حوزه اقتصادی)

میزان نرخ تورم در سال ۱۴۰۰ یک سناریو محور است و بستگی به اتفاقات پیش روی سیاسی و اقتصادی کشور دارد. اگر شرایط تحریمی و سیاسی کشور در بدترین حالت باشد تورم ۶۰ تا ۷۰ درصدی در ادامه سال قبل تکرار خواهد شد، اما اگر شرایط سیاسی و تحریم ها تعدیل یابد، دیگر نه ابرتورم دوره های قبل و نه ثبات یا ۸ سال پیش را خواهیم داشت. البته زمانی



میزان نرخ تورم در سال ۱۴۰۰ یک سناریو محور است و بستگی به اتفاقات پیش روی سیاسی و اقتصادی کشور دارد.



متوقف شود و تورم ناشی از انتظارات تا حدودی کنترل شود اما براساس آمار رسمی تورم ۴۰ درصدی در سال جاری وجود دارد که سال آینده ممکن است به ۳۵-۳۰ درصد برسد. اقتصاد توانایی تبدیل نقدینگی به ظرفیت تولیدی مولد را ندارد. در سال‌های گذشته نرخ رشد اقتصادی منفی بوده است حالا این امکان وجود دارد که با استفاده از بخشی از ظرفیت‌های خالی شده نرخ رشد اقتصادی مثبت شود که طبیعتاً تاثیری بر کاهش میزان بیکاری و ایجاد شغل برای فارغ التحصیلان جوان دانشگاهی نمی‌تواند داشته باشد. بنابراین انتظار می‌رود فشارهای تورمی از این محل در سال آینده تقویت شود. از سوی دیگر ممکن است این نرخ از محل انتظارات تورمی مقداری کنترل شود چرا که به نوعی بازارها هم در رکود افتادند و احتمال دارد میانگین تورم کمتر از سال ۱۳۹۹ شود.

وقتی کسری بودجه وجود داشته باشد طبیعی است که دولت به استقراض از بانک مرکزی رو می‌آورد و پایه پولی بالا می‌رود یا ممکن است شبکه بانکی درگیر استقراض از بانک مرکزی بشود و پایه پولی افزایش یابد. تجربه سال‌های گذشته نشان داده است که خود نقدینگی موجب بروز تورم نمی‌شود، یعنی قبل از انقلاب هم نرخ رشد نقدینگی معادل میزانی است که بعد از انقلاب رشد کرده است. آنچه عامل اصلی تلقی می‌شود، آن است که نقدینگی که سال‌های گذشته در قالب تسهیلات و اعتبارات در اختیار پروژه‌ها و بنگاه‌های تولیدی قرار می‌گرفت، تبدیل به ظرفیت‌های تولیدی نمی‌شد و در قالب ۷۶ هزار پروژه ملی و استانی ناتمام روی دست اقتصاد مانده است. در حال حاضر نیز افزایش پایه پولی در نهایت تبدیل به هزینه‌های جاری می‌شود و اگر تبدیل به هزینه‌های سرمایه‌گذاری با کیفیت بالا می‌شد آن زمان رابطه نقدینگی با تورم می‌توانست تغییر یابد. به این دلایل ساختاری که در اقتصاد ایران وجود دارد انتظار می‌رود که رشد نقدینگی موجب تقویت فشارهای تورمی شود.

● دکتر مرتضی ایمانی راد (اقتصاددان و عضو

هیئت علمی سازمان مدیریت صنعتی) با توجه به کسری بودجه و مشکلات بانکی و افزایش حجم نقدینگی حتما در سال ۱۴۰۰ تورم دو رقمی را اقتصاد ایران تجربه خواهد کرد. اینکه چه عددی را بتوان برای نرخ تورم پیش بینی کرد بسیار سخت است اما احتمال آنکه بیش از ۲۵ درصد باشد بسیار زیاد است. به عبارتی با شرایط رکود تورمی در سال ۱۴۰۰ مواجه هستیم. بنابراین نه شکوفایی خواهد بود و نه بحران بلکه در یک حالت برزخی

داده اند، نرخ تورم در ایران افزایش نخواهد یافت و نرخ آن نسبت به سال ۱۳۹۹ کاهش یافته است و پیش بینی می‌شود نرخ تورم در سال جاری بین ۲۰ تا ۲۵ درصد باشد.

● دکتر محمد واعظ (دانشیار گروه اقتصاد دانشگاه اصفهان)

در تاریخ اقتصادی ایران بعد از سال ۱۳۲۲ هیچ گاه نرخ تورم در اقتصاد ایران سه رقمی نشده است. بالا بودن نرخ رشد حجم پول به دلیل ناترازی های مالی و کسری بودجه عملیاتی دولت و ... ظرفیت ایجاد تورم بالا را در اقتصاد ایران ایجاد کرده است، اما به این معنا نیست که نرخ تورم در ایران بالا قرار خواهد گرفت. این اقتصاددان با بیان اینکه در کوتاه مدت نرخ تورم تحقق یافته براساس عوامل واقعی و انتزاعی به نرخ ارز بستگی دارد، توضیح می‌دهد: اگر مقام ارزی موفق به تنظیم نرخ ارز شود، نرخ تورم نقطه به نقطه ۴۸/۸ درصد سال ۱۳۹۹ از نقطه اوج خود عبور کرده و انتظار می‌رود نرخ تورم نقطه به نقطه در انتهای سال ۱۴۰۰ به مراتب کمتر از سال گذشته شود. معیارهای کمی متفاوتی برای ابرتورم وجود دارد، اما معیار حداقلی، سه رقمی شدن تورم است و به طور قطع اقتصاد ایران وارد این حوزه نخواهد شد. اگر تکانه بیرونی خاصی در کشور ایجاد نشود و طبق شرایط ماه‌های اخیر مدیریت بازار ارز عملی شود، نرخ تورم نقطه به نقطه در انتهای سال ۱۴۰۰ حدود ۳۰ درصد خواهد شد، به این معنا نرخ تورم نقطه به نقطه ۱۴۰۰، معادل ۱۸/۸ درصد کمتر سال ۱۳۹۹ شود.

● پروفیسور محمد هاشم پسران (اقتصاددان و استاد تمام بازنشسته دانشگاه کمریج)

با بررسی تغییرات نرخ ارز و تورم مشاهده می‌شود که نرخ تورم و افزایش نرخ ارز نزدیک به یکدیگر بوده‌اند. گرچه صرفاً نمی‌توان دلیل افزایش تورم را افزایش نرخ ارز دانست اما اگر گشایشی در روابط خارجی ایران صورت نگیرد حتما سال ۱۴۰۰ ایران تورم دو رقمی و بالایی را تجربه خواهد کرد. برخی مواقع گفته می‌شود که تورم برای اقتصاد خوب است؛ بله، اما تورم حدود ۲ درصد، نه تورم حدود ۲۰ الی ۴۰ درصد آن هم به طور مداوم. اگر نرخ تورم برخی از کشورهای دنیا که تجربه تورم بالا داشتند را نگاه کنید در می‌یابید که توانسته‌اند این نرخ را کنترل و مدیریت نمایند.

● علی دینی ترکمانی (عضو هیأت علمی موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی) با توجه به تغییرات ریاست جمهوری آمریکا و امیدهایی که به گشایش‌های در پرونده هسته‌ای وجود دارد، احتمال دارد موتور انتظارات مقداری



در تاریخ اقتصادی ایران بعد از سال ۱۳۲۲ هیچ گاه نرخ تورم در اقتصاد ایران سه رقمی نشده است. بالا بودن نرخ رشد حجم پول به دلیل ناترازی های مالی و کسری بودجه عملیاتی دولت و ... ظرفیت ایجاد تورم بالا را در اقتصاد ایران ایجاد کرده است، اما به این معنا نیست که نرخ تورم در ایران بالا قرار خواهد گرفت.



بودجه سال ۱۴۰۰
ادامه بودجه سال
۱۳۹۹ است به
عبارتی یک بودجه
تورمی در سال ۱۴۰۰
خواهیم داشت و
احتمالاً دولت با
ایجاد پایه پولی
ونقدینگی، بسیاری
از پروژه نا تمام خود
را که سال ها قبل
شروع کرده بود به
اتمام خواهد رساند.

قرار خواهد گرفت. مگر اینکه سایر عوامل از جمله عوامل سیاسی، توافقات و روابط بین المللی تاثیر بگذارد. کسری بودجه دولت بسیار زیاد و قابل توجه است و ممکن است درآمدهای نفتی خوب باشد اما این کسری با افزایش پولی همراه خواهد بود که در نتیجه منجر به افزایش نرخ تورم خواهد شد.

● **دکتر علی سعدونی (اقتصاددان و استاد دانشگاه استرالیایی وولونگونگ)**

بودجه سال ۱۴۰۰ ادامه بودجه سال ۱۳۹۹ است به عبارتی یک بودجه تورمی در سال ۱۴۰۰ خواهیم داشت و احتمالاً دولت با ایجاد پایه پولی ونقدینگی، بسیاری از پروژه نا تمام خود را که سال ها قبل شروع کرده بود به اتمام خواهد رساند. نرخ تورم توسط بانکی مرکزی در سال ۱۳۹۹ حدود ۴۰ درصد اعلام گردید و متاسفانه در بازارها قیمت‌ها روز به روز در حال افزایش است و سرمایه اجتماعی و اعتماد مردم نسبت به نظام بانکی مالی و سیاستگذاران این حوزه در حال از دست رفتن است. به نظر می‌رسد اگر کشوری می‌خواهد پیشرفت کند می‌بایست اعتماد مردم را نسبت به این نظام مالی و بانکی جذب نماید. هدف گذاری سال ۱۳۹۹ حدود ۲۲ الی ۲۴ درصد بود که متاسفانه این هدف محقق نشد و سال آینده حدود ۲۵ هدف گذاری شده است که با توجه با کسری بودجه حتی با تغییر شرایط سیاسی تحقق این هدف دشوار است.

● **دکتر آبرت بغزیان (اقتصاددان و استاد دانشگاه تهران)**

اگر شرایط سیاسی و اقتصادی در سال ۱۴۰۰ به گونه‌ای باشد که آمریکا به برجام برنگردد و ایران نیز بر مواضع خودش اصرار کند، قطعاً میزان فروش نفت به همین شکل باقی می‌ماند و این بدان معناست که منابع درآمدی ایران از فروش نفت و فرآورده‌های آن تغییری نخواهد کرد. علاوه بر این، اگر قرار باشد که تصمیم ایران در قبال مساله FATF و موضوعات مرتبط با آن تغییری نکند، هزینه نقل و انتقال پول همچنان برای تاجران و سرمایه‌گذاران و تولیدکنندگان بالا خواهد ماند و این یکی از عوامل افزایش قیمت‌ها در سال ۱۴۰۰ خواهد بود. مضاف بر اینکه اگر دولت بخواهد ضعف امروز خودش در مساله نظارت و کنترل قیمت‌ها را ادامه بدهد ما در سال ۱۴۰۰ تغییری در قیمت‌ها و مهار تورم تجربه نخواهیم کرد. البته باید این مساله را در نظر گرفت که مساله تورم در کشور ما به یک بحث و مساله جا افتاده تبدیل شده است و بعید نخواهد بود که در سال ۱۴۰۰ یک تورم ۲۵ تا ۳۰ درصدی تکرار شود و اتفاقاً دولت هم مجوز این اتفاق را نیز به نحوی صادر کند. چراکه دلیل یا اتفاق جدیدی برای افزایش دوباره قیمت‌ها

رخ نداده است و بروز این اتفاق صرفاً بستگی به تصمیم دولت در سال ۱۴۰۰ دارد. به ویژه آنکه در سال ۱۳۹۹ تورم با ارز ۲۵ تا ۳۰ هزار تومان، پیشرفت خودش را طی کرده است و توجیهی برای رشد تورم وجود ندارد.

● **دکتر وحید شقاقی شهری (استاد دانشگاه خوارزمی و مشاور وزیر اقتصاد)**

رشد نقدینگی ریشه اصلی تورم است و این مسئله در سال ۱۴۰۰ ادامه داشته و تورم بیشتری از این مسیر به اقتصاد ایران تحمیل خواهد شد. تورم مزمّن که بخش بزرگی از آن به دلیل افزایش حجم نقدینگی در کنار شرایط رکودی است که به واسطه‌گری، بروز شوک‌های پی در پی در بازارهای دارایی و هجوم سرمایه‌ها به هر یک از این بازارها در مقاطعی از سال و البته تورم می‌انجامد. در این میان تورم و شتاب افزایش قیمت‌ها، تأثیر مستقیمی بر مردم عادی دارد. عوامل متعددی در نرخ تورم و در اقتصاد کشور مؤثر هستند بخشی از تورم حاصل از رشد نقدینگی و بخشی دیگر حاصل بی انضباطی های مالی دولت است؛ البته تورم حاصل از کسری‌های بودجه دولت نیز کم نیست. بخشی از تورم در اقتصاد کشور ساختاری است و به دلیل ضعف نظام بهره‌وری و مدیریت اقتصادی در کشور به وجود می‌آید. بخشی از علل تورم نیز به تورم وارداتی و تورم حاصل از نوسانات ارزی برمی‌گردد، عامل دیگری که در تورم مؤثر است حاصل از انتظارات و نااطمینانی‌ها درباره آینده اقتصاد کشور است. باید امیدوار بود که در آینده این بخش از تورم کنترل می‌شود اما عوامل دیگر همچنان سر جای خود باقی است و در صورتی که خواستار کنترل تورم هستیم و می‌خواهیم تورم را مهار کنیم فارغ از بحث انتظارات تورمی باید عوامل دیگر تورم را نیز مهار کنیم.

● **دکتر حبیب شهبازی گیگاسری (کارشناس و صاحب نظر اقتصادی و استاد دانشگاه)**

در ارتباط با تحقق پیش‌بینی تورم بانک مرکزی (۲۲ الی ۲۴ درصد) در سال ۱۴۰۰ بیان کرد: طبق جمله معروفی «بزرگترین دروغ در اقتصاد پیش‌بینی است»، پیش‌بینی در علم اقتصاد قواعد، اصول و روشی دارد و در حوزه قیمت، تولید و ... پارامترهایی را در نظر می‌گیریم اما در حال حاضر این پیش‌بینی‌ها فراتر از پارامترها رفته است. در پیش‌بینی یک سری فروض را برای پیش‌بینی می‌گذارید. یکی از این مفروض‌ها این است که دولت بایدهن برخی از تحریم‌ها را کم خواهد کرد. مفروض دیگر این است که با آمدن بایدهن صنعتی که یک سال است زیر یک میلیون بشکه نفت استخراج و صادر می‌کند، در



دیدگاه نهادهای ملی و بین‌المللی

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی بیان کرده است نرخ تورم تا پایان سال ۱۳۹۹ و همچنین در سال ۱۴۰۰ تحت تأثیر عوامل متعددی قرار دارد. نحوه تأمین مالی کسری بودجه و تغییرات پایه پولی و نقدینگی، مهمترین عامل بلندمدت و سیاستی و تغییرات نرخ ارز از مهمترین عوامل کوتاه‌مدت اثرگذار بر نرخ تورم است. در کنار آن، انتظارات تورمی بالا ناشی از کسری بودجه یا افزایش نرخ ارز، مهمترین کانالی است که هریک ریال پایه پولی و نقدینگی جدید را با شدت بیشتری به تورم تبدیل می‌کند. بنابراین توصیه اکید به سیاستگذار، کنترل انتظارات تورمی و کاهش منابع در دسترس برای تقاضای سفته‌بازی در بازارهای دارایی است. همچنین لازم است حمایت از بورس با استفاده از منابع پایه پولی یا منابع غیرنقدشونده (مانند بخشی از منابع صندوق توسعه ملی) اکیدا از دستور کار سیاستگذار حذف شود. هم‌زمان لازم است تا از ابزارهایی نظیر نظارت بر شبکه بانکی و رصد و کنترل تراکنش‌های بانکی به منظور کنترل سفته‌بازی در بازارهای دارایی استفاده شود.

از آنجا که نحوه تأمین مالی کسری بودجه، تأثیر بسیار زیادی بر نرخ تورم تا پایان سال ۱۳۹۹ و به‌خصوص در سال ۱۴۰۰ دارد، شیوه فعلی تأمین کسری (فروش اوراق و برداشت از منابع صندوق) پیامدهای تورمی دارد. اوراق منتشر شده در سال ۱۳۹۹، در سال‌های بعدی سررسید می‌شوند که برای دولت دارای بار مالی بوده و تنها تورم در این سال را به سال آینده منتقل می‌کند. همچنین برداشت از منابع صندوق در صورتی که خالص دارایی خارجی بانک مرکزی را افزایش دهد، (که از آمارهای پولی این‌طور به‌نظر می‌رسد)، پیامدهای تورمی در پی خواهد داشت. از طرف دیگر به‌نظر می‌رسد در حالی که دولت در سال ۱۳۹۹ امکان تأمین بخشی از کسری بودجه از طریق انتشار اوراق را دارد، اما این امکان برای سال ۱۴۰۰ محدودتر خواهد شد. در مجموع، پیش‌بینی می‌شود تورم نقطه به نقطه تا پایان سال در حدود ۴۵ درصد و تورم سالیانه در محدوده ۲۸ درصد قرار گیرد که با هدف تورمی اعلام شده بانک مرکزی، فاصله زیادی دارد.

مرکز آمار و اطلاعات راهبردی وزارت تعاون پیش‌بینی کرده است نرخ تورم از اول پاییز روند نزولی خواهد داشت و در آذرماه به ۳۸/۲ درصد برسد. همچنین این افت نرخ تورم در سه ماه پایانی سال ۱۴۰۰ نه تنها ادامه خواهد داشت بلکه به کمترین رقم از ابتدای سال خواهد رسید. به این صورت که در دی ماه ۳۵/۶ درصد، بهمن ماه ۳۲/۷ درصد و در آخرین ماه سال نیز برابر ۲۹/۸ درصد برسد.

پیش‌بینی اکونومیست در ارتباط با تورم در

مدت یکی دو ماه به حالت گذشته بر می‌گردد. اما ما مشتریانمان را از دست داده‌ایم و این مشتریان فروشندگانی را جایگزین کرده‌اند و به این راحتی آنها تأمین کنندگان نفت خامشان را جایگزین نخواهند کرد. فرض سوم، کرونا خواهد رفت و شرکت‌ها در دنیا به کار خودشان مشغول خواهند شد و تقاضای نفت بیشتر از اکنون خواهد شد و مازاد نفتی را که در بازار هست خواهند خواست. فرض چهارم، بقیه هم بیشتر عرضه نخواهند کرد. هر چهار فرض ممکن است تحقق پیدا نکنند. از طرفی هر فرضی که اضافه شود به این معنی است که پیش‌بینی شما را ضعیف و ضعیف‌تر می‌کند. بودجه دو طرف دارد؛ یک طرف هزینه و یک طرف درآمد است. دولت وقتی در یک طرف هزینه می‌تراشد، باید در طرف دیگر متناسب با آن برایش درآمد ایجاد کند. درآمد دولت از سه حالت خارج نیست؛ فروش شرکت‌های دولتی که دولت تمام توانش را در نیمه اول امسال بر این امر گذاشت و سهام فروخت. بخش دوم مالیات است اما در شرایط حاضر تعداد زیادی شرکت هستند که ورشکسته شده‌اند و از شرکت ورشکسته نمی‌توانید مالیات دریافت کنید. در نهایت نفت می‌ماند که سناریوست. نمی‌خواهم پیش‌بینی بدی کنم، اما فکر می‌کنم تحقق یافتن هر چهار فرض و کاهش نرخ تورم به ۲۲ الی ۲۴ درصدی خیلی دشوار است.

باتوجه به نظرات اقتصاددانان و فعالین اقتصادی در مورد نرخ تورم عوامل متعددی از جمله گشایش‌های اقتصادی در روابط با خارج، رشد نقدینگی، بی‌انضباطی‌های مالی دولت، کسری‌های بودجه، نوسانات ارزی، انتظارات و نااطمینانی‌ها درباره آینده اقتصاد کشور در نرخ تورم و در اقتصاد کشور مؤثر هستند. نکته کلیدی و مشترک بین اقتصاددانان و کارشناسان این است که کسری بودجه و نقدینگی از مهمترین عوامل اثرگذار بر وضعیت تورم در سال آتی است. در سال ۱۴۰۰ همانند سال گذشته نقدینگی رشد خواهد کرد و به عنوان ریشه اصلی تورم خواهد بود. از آنجا که نرخ تورم تحت تأثیر انتظارات تورمی که ناشی از کسری شدید بودجه و وضعیت نرخ ارز است، شکل خواهد گرفت، جریان نقدینگی را به سمت تورم افزایش‌دهنده سوق خواهد داد. با توجه به پیش‌بینی کسری بودجه و سایر عوامل اشاره شده در گزارش، همچنان نرخ تورم دو رقمی بالاتر از ۳۰ درصد برای سال ۱۴۰۰ پیش‌بینی می‌شود.

• پیش‌بینی نرخ تورم ایران از



باتوجه به نظرات اقتصاددانان و فعالین اقتصادی در مورد نرخ تورم عوامل متعددی از جمله گشایش‌های اقتصادی در روابط با خارج، رشد نقدینگی، بی‌انضباطی‌های مالی دولت، کسری‌های بودجه، نوسانات ارزی، انتظارات و نااطمینانی‌ها درباره آینده اقتصاد کشور در نرخ تورم و در اقتصاد کشور مؤثر هستند. نکته کلیدی و مشترک بین اقتصاددانان و کارشناسان این است که کسری بودجه و نقدینگی از مهمترین عوامل اثرگذار بر وضعیت تورم در سال آتی است.



در ارتباط با پیش بینی نرخ تورم دو احتمال اصلی وجود دارد. در سناریو اول ادامه وضع موجود و احیاء نشدن برجام و تداوم تحریم‌های فعلی که طبیعتاً اثرات خود را بر اقتصاد خواهد گذاشت. این سناریو عملاً اقتصاد ایران را در چرخه‌ای قرار می‌دهد که در آن میزان خلق نقدینگی، کسری بودجه دولت و تورم به صورت خود فزاینده افزایش می‌یابد.

ایران: مشکلات و معضلات پدید آمده بر اثر تحریم و شیوع کرونا همچنان در کوتاه مدت فشار تورمی بر اقتصاد ایران وارد خواهد کرد.

در کنار این مشکلات، شاهد ضعف پول ملی در کشور هستیم که طی ۹ ماهه نخست سال ۲۰۲۰ بالغ بر ۵۵ درصد ارزش خود را از دست داده است. انتظار داریم نرخ تورم که در سال ۲۰۲۰ به ۲۸/۸ درصد رسید، در سال ۲۰۲۱ تحت تاثیر سیاست پولی سهل‌گیرانه و تداوم ضعف پول ملی به ۳۲/۷ درصد افزایش یابد.

با کاهش تدریجی تحریم‌ها و افزایش صادرات نفت، در اواسط دوره مورد پیش‌بینی ما روند کاهش ارزش ریال کند خواهد شد. در نتیجه، زمینه برای کاهش تورم به ۱۶/۵ درصد در سال ۲۰۲۴ فراهم خواهد شد. اما در سال ۲۰۲۵ با تشدید دوباره تنش با آمریکا و کاهش بیشتر ارزش ریال، نرخ تورم دوباره صعودی خواهد شد.

بانک جهانی در گزارش خود بر اساس آمارهای منتشرشده توسط دولت ایران بیان کرده است با توجه به فشارهای تورمی ناشی از شیوع کووید-۱۹ و تغییرات نرخ ارز، روند تورم ماه‌های آینده را صعودی ارزیابی می‌کند و پیش‌بینی فعلی بانک جهانی از متوسط نرخ تورم ایران در سال ۲۰۲۰-۲۱ معادل ۲۹ درصد خواهد بود که هشت درصد بیشتر از برآورد قبلی صورت گرفته در آخرین گزارش این نهاد است. به گفته بانک جهانی، برآوردهای صورت گرفته توسط این نهاد از شاخص‌های کلان اقتصادی با فرض تداوم اقدامات بانک مرکزی برای کنترل نقدینگی و تامین کسری مالی دولت از طریق فروش دارایی‌های دولتی و صدور اوراق قرضه صورت گرفته است و با توجه به نااطمینانی‌های زیادی که در مقطع کنونی بر سر راه اقتصاد جهانی و ایران هست، امکان تغییر در این برآوردها وجود دارد.

صندوق بین‌المللی پول در تازه‌ترین گزارش خود اعلام کرد نرخ تورم ایران در سال ۲۰۲۰ بالغ بر ۳۶/۵ درصد بوده که انتظار می‌رود این رقم در سال ۲۰۲۱ به ۳۹ درصد افزایش یابد.

جمع بندی

یکی از مهم‌ترین مشکلات اقتصادی ایران در چهار دهه اخیر پدیده‌ی تورم است. به دلیل اثرات مخرب تورم، کنترل آن به عنوان یکی از هدف‌های سیاست کلان اقتصادی همیشه مورد توجه اقتصاددانان بوده است. دستیابی به این هدف مستلزم ایجاد ساز و کاری دقیق و هدفمند از فرایند سیاست‌گذاری اقتصادی است که در شکل استاندارد خود، پیش‌بینی، هدف‌گذاری و تحلیل سیاستی را شامل می‌گردد. با توجه به اینکه تورم بر بسیاری از شاخص‌های اقتصاد کلان اثر می‌گذارد، از این رو تبیین و پیش‌بینی نرخ تورم می‌تواند در بهبود سیاست‌گذاری‌ها کمک کند. باتوجه به پیش‌بینی‌های صورت گرفته و واقعیت موجود نرخ تورم در سال پیش‌رو متاثر از عوامل

مختلفی از جمله اتفاقات پیش‌روی سیاسی و اقتصادی، شرایط جذب سرمایه‌گذاری، برقراری تجارت جهانی، رشد نقدینگی، کسری بودجه، نرخ ارز است. در این بین، کسری بودجه دولت، نحوه تامین آن و رشد نقدینگی از دلایل مهمی است که همواره بر تشدید تورم در کشور موثر بوده است. در همین راستا و به اعتقاد کارشناسان، نرخ تورم در سال ۱۴۰۰ تحت تاثیر انتظارات تورمی که ناشی از کسری شدید بودجه و وضعیت نرخ ارز است، شکل می‌گیرد.

در ارتباط با پیش‌بینی نرخ تورم دو احتمال اصلی وجود دارد. در سناریو اول ادامه وضع موجود و احیاء نشدن برجام و تداوم تحریم‌های فعلی که طبیعتاً اثرات خود را بر اقتصاد خواهد گذاشت.

این سناریو عملاً اقتصاد ایران را در چرخه‌ای قرار می‌دهد که در آن میزان خلق نقدینگی، کسری بودجه دولت و تورم به صورت خود فزاینده افزایش می‌یابد. زیرا به طور سنتی دولت‌ها برای جبران کسری بودجه روی به استقراض از بانک مرکزی و چاپ اسکناس می‌کنند که در نتیجه این کار پایه پولی و نقدینگی افزایش پیدا می‌کند و در نهایت اثری تورمی به جا می‌گذارد. از سوی دیگر انتظارات تورمی هم می‌تواند موجبات تشدید تورم را فراهم نماید، زیرا با شکل‌گیری آن نقدینگی رشد می‌کند و می‌تواند منجر به افزایش سطح عمومی قیمت‌ها شود.

بنابراین در این شرایط وقوع تورمی که ریشه عمده آن ناترازی و کسری بودجه عمیق دولت است در سال ۱۴۰۰ بسیار محتمل است.

در سناریو دوم اگر برجام احیا شود و دولت بتواند طبق پیش‌بینی خود در بودجه ۱۴۰۰ روزانه دو میلیون و ۳۰۰ هزار بشکه نفت بفروشد، بخش مهمی از هزینه‌های دولت پوشش داده می‌شود و احتمالاً یک کسری بودجه معمول اتفاق می‌افتاد که سطح تورم را در محدود ۲۵ درصد نگه خواهد داشت. اما اگر این میزان فروش نفت محقق نشود و تحریم‌ها و موانع بین‌المللی ادامه دار باشد، به احتمالاً فراوان یک کسری بودجه بی‌سابقه اتفاق خواهد افتاد. بنابراین از این زاویه دید شدت یا ضعف نرخ تورم در سال آینده ارتباط مستقیمی با وضعیت کسری بودجه دولت دارد.

از سوی دیگر شیوع ویروس کرونا نیز اثرات قابل توجهی بر نرخ تورم داشته است که چشم‌انداز مثبت‌تری از آن نسبت به تحریم‌ها وجود دارد. با توجه به این موضوع که شیوع کرونا از طریق افزایش هزینه‌ها و کاهش منابع درآمدی موجب تشدید کسری بودجه گردید، به نظر می‌رسد شرایط به وجود آمده ناشی از واکنش‌های جهانی در دنیا و در ایران، کسری بودجه ناشی از شیوع این ویروس هم از محل کاهش منابع و هم از محل افزایش مخارج بهبود یابد و چشم‌انداز روشن‌تری را در پیش رو قرار داده است. بنابراین به نظر می‌رسد نااطمینانی کرونا در سال ۱۴۰۰ کمتر اقتصاد ایران را تهدید کند.